



The Organization and Structure of Knowledge in Islamic Sciences Rijal and Dirayat-al-Hadith

Document Type: Research Paper

Heidar Mokhtari

***Corresponding author:** Associate Professor, Department of Knowledge and Information Science, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: mokhtariazad@gmil.com

Norooz Shafitabar-Samakoosh

Assistant Professor, Department of Islamic Knowledge, Payame Noor University, Tehran, Iran.
E-mail: n.shafitabar@yahoo.com

Abstract

Purpose: Each scientific discipline has its own especial structure and knowledge organization (KM) based on its characters. This review aimed at investigating the KM in Rijal and Dirayat-al-Hadith by considering pioneering works in the area.

Methodology: Re-conceptualizing the concept of KM, we determined the types of KM separately in Rijal and Diraya by conducting a review. Findings showed that due to its accuracy and sensitivity.

Findings: Rijal has accurate tools and features in its KM, including to be the same generation, share in narrators, narrators ups and downs in narration, their death dates and closeness to Ahl-albayt (pbut) as well as organizing the content alphabetically as major trends in KM that are helpful in retrieving information. However, despite its similarity to Rijal, Diraya has its own approaches to KM for directing students for being influent in narration and its interpretation.

Conclusion: Diraya works have been organized as to the famousness of narrator and the documentary of the work at hand as well as the alphabetical order of names for facilitating education.

Keywords: Rijal, Diraye, Knowledge Organization.

Citation: Mokhtari, H., & Shafitabar-Samakoosh, N. (2022). The Organization and Structure of Knowledge in Islamic Sciences Rijal and Dirayat-al-Hadith. *Management of Information Resources & Services*, 8(4), (13-20). (In Persian)

(DOI): 10.30473/MRS.2022.64024.1518

Quarterly Journal of Management of Information Resources & Services
Vol 8, No 4, (Series 32), Winter 2022, (13-20)

Received: (2022/05/14)

Accepted: (2022/09/01)

Copyrights

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)





سازماندهی و ساختار دانش در آثار علم رجال و درایه الحدیث

نوع مقاله: پژوهشی

حیدر مختاری

*نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

E-mail: mokhtariazad@gmil.com

نوروز شفیعی تبار سماکوش

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

E-mail: n.shafitabar@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش: هر علمی براساس مقتضیات خودسازماندهی ویژه برای تنظیم و تسبیح دانش دارد. هدف این مقاله بررسی شیوه‌های سازمان‌دهی دانش در آثار علم و درایه با غور در آثار مهم متقدمان است.

روشن کار پژوهش: براساس هدف این مقاله، ضمن بازخوانی مفهوم سازمان‌دهی دانش با مراجعه به متون قدیم و جدید، شیوه‌های این ساختار به تفکیک در رجال و درایه بررسی شده است.

یافته‌ها: سازمان‌دهی دانش علم رجال از نظر حساسیت و اهمیت این علم، از دقیق‌ترین ابزار و رویه‌ها برخوردار است. هم‌نسل بودن، اشتراک در استناد، ضعف و قوت راویان در نقل روایات، تاریخ زندگی و تاریخ وفیات و هم عصر بودن روات با معصومین (ع) و حتی تلفیقی از این‌ها عوامل کلان برای سازماندهی دانش رجال و ترتیب الفبایی عاملی خرد برای کمک به بازیابی آسان اطلاعات بوده است. از دیگر سو، آثار علم درایه هرچند اشتراکات و تقاطعاتی با مباحث علم رجال دارد، از سازماندهی دانشی ویژه‌ای برخوردار است که بیشتر مناسب آموزش اصول علم حدیث، معناشناسی حدیث و هدایت فراگیران به فقهت در علوم حدیثی است.

بحث و نتیجه‌گیری: آثار رجال چنان سازماندهی شده‌اند که عوامل کلان مرتبط با راوی و وثاقت وی در اولویت قرار دارند و مواردی چون الفبایی شدن اسامی برای بازیابی بهتر و سریع اطلاعات هم کاربرد دارد تا به‌ویژه آموزش تسهیل شود.

واژه‌های کلیدی: رجال، درایه، سازمان‌دهی دانش.

استناد: مختاری، حیدر و شفیعی تبار سماکوش، نوروز (۱۴۰۰). سازماندهی و ساختار دانش در آثار علم رجال و درایه الحدیث. مدیریت منابع و خدمات اطلاعاتی، ۸(۴)، (۲۰-۱۳).

(DOI): 10.30473/MRS.2022.64024.1518

فصلنامه مدیریت منابع و خدمات اطلاعاتی

سال هشتم، شماره چهارم، (پیاپی ۳۲)، زمستان ۱۴۰۰، (۲۰-۱۳)

تاریخ دریافت: (۱۴۰۱/۰۲/۲۴)

تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۶/۱۰)

Copyrights

© 2022 by the authors. Lisensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)



مقدمه

هر علمی در تاریخ خود تحولاتی را در مسیر پیشرفت، رشد و تکامل داشته است. پیشرفت در مسائل و موضوعات یک علم و توسعه و تکامل آن، موجب می‌شود ساختار و نظام طبقه‌بندی اطلاعات آن علم نیز دچار تحولاتی شود؛ زیرا برخی مسائل و موضوعات جدید که در طول زمان به مسائل و موضوعات علم افزوده می‌شود، ممکن است در ساختار قدیمی آن علم جایگاه مشخصی نداشته باشد. بنابراین، براساس رشد و تکامل علم، در ساختار و طبقه‌بندی مسائل آن نیز باید بازنگری‌هایی صورت پذیرد. نکته اساسی در بازنگری‌ها و ارائه ساختار برای یک علم آن است که بتواند تصویری روشن از مسائل و جایگاه آن‌ها در ذهن مخاطب علم قرار دهد (شفیع تبار و مختاری، ۱۳۹۸). علم رجال و درایه نیز از این قاعده مستثنا نیست.

از این رو، این مقاله بر آن است در حد توان به پرسش‌های مرتبط با «سازماندهی دانش» در رجال و درایه در حکم نوعی علم برخاسته از تمدن اسلامی و تلاش عالمان مسلمان در این زمینه پاسخ دهد و آغازگر تتبع و تأمل در مسئله سازماندهی دانش این علوم باشد. به همین منظور، ابتدا مفهوم سازماندهی دانش در علوم اسلامی بازتعریف و کارکرد آن تبیین می‌شود و در ادامه، سازوکارهای سازماندهی دانش در آثار مهم رجال و درایه به تفکیک بررسی می‌شود. البته هدف پرداختن به تک‌تک آثار و ذکر مشخصاتشان نیست و فقط عوامل ناظر بر سازماندهی دانشی آثار مهم و اثرگذار این علوم مدنظر است.

مفهوم و کارکرد سازماندهی دانش

سازماندهی دانش عبارت است از توصیف و سازماندهی محتوا، ویژگی‌ها و اهداف اسناد و مدارک باهدف تسهیل در جستجو و بازیابی این اسناد یا پیام‌های نهفته در محتوای آن‌ها (اندرسون^۱، ۱۳۸۱: ۹۹۷ الف). این هدف از شیوه‌های مختلفی چون نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی و رده‌بندی میسر است که در گذشته کمتر رایج بود.

سازماندهی دانش در تمدن اسلامی با سازماندهی دانش در تمدن‌های پیش از خود متفاوت و البته پویاتر بود. مسلمانان از همان ابتدا به تولید دانش، به‌ویژه در علوم منسب از قرآن دست زدند و بعدها دانش‌هایی نو در قالب تألیف و ترجمه در رشته‌های مختلف علمی تولید و بازتولید کردند. با ظهور اسلام، برخی دانش‌ها در آموزه‌های این تمدن نوپا چندان جایی نداشتند و توجه به آن‌ها رنگ باخت و برخی بسط و تحول و برخی قرائتی نو یافتند و به‌ویژه، علوم نو چون تفسیر، قرائت،

حدیث، رجال و فقه و اصول پدید آمدند که برخاسته از قرآن و سنت و برای حفظ اصالت دینی بودند.

سازماندهی به این‌همه دانش شیوه‌هایی نو در سازماندهی دانش را ایجاد می‌کرد. شیوه‌های نقل و استناد، روش‌های تلخیص و روزآمدسازی دانش، معیارهای ورود و حذف اقلام دانشی خاص از پیکره دانش موجود و طرز چینش مطالب در آثار در بستر همین مقتضیات درهم‌تنیده تعیین و اجرا می‌شد.

پس تعریف سازماندهی دانش در معنا و تبیین کنونی آن برای گذشته مناسب ندارد. سازماندهی دانش و سازوکارهای آن زائیده نیازهای اجتماعی آدمی بوده‌اند. دانش باید تا حد امکان تنظیم، طبقه‌بندی و برای آموزش و بازیابی تنظیم و عرضه می‌شد. بر این اساس، تلقی ما از سازماندهی دانش در این مقاله براساس این دو عامل محیط بر آن باز مفهوم‌سازی می‌شود. این نگاه مستلزم توجه ویژه به طرق بازنمود «محتوای دانش» است و نه صرفاً توصیف ویژگی‌های ظاهری و کالبدی متون و مدارک حاوی دانش. علمای مسلمان سامانه‌ها و ملاک‌های مختلفی برای طبقه‌بندی علوم و به تبع آن، سازماندهی دانش در انواع علوم به کار می‌گرفتند تا روند آموزش علوم را آسان و زمینه سازوکارهای حفظ، دسترسی، اشاعه و انتقال دانش را آسان کنند. علم رجال و درایه هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند.

علم رجال

رجال علمی است که احوال راویان خبر واحد (حدیث غیرمتواتر) را می‌شناساند؛ هم شخص راوی را و هم وصف او را، از نظر مدح یا ذم و آنچه در حکم مدح و ذم باشد. پس علم رجال از احوال اجزا و اعضای سخن می‌گوید که سلسله سندی حدیث از آنان تشکیل می‌شود. ضمناً دانش رجال به معرفی راویان و صفاتی که در پذیرش، یا عدم‌پذیرش راویان نقش دارد (نظیر ایمان و عدالت) می‌پردازد و از چگونگی توثیق و جرح راویان و راه‌های رفع تعارض میان جرح و تعدیل سخن می‌کند.

رجال‌یون از ابتدای تألیف در موضوع رجال و سازماندهی دانش آن، برای سهولت در دادن اطلاعات در باب تعیین و شناخت راویان و میزان اعتبار هر یک به شیوه‌های مختلفی در تألیف آثار رجالی روآوردند که مشهورترین این شیوه‌ها عبارت‌اند از

۱. تألیف طبق نظم الفبایی نام راویان حدیث، مانند رجال و فهرست شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، فهرست شیخ منتجب‌الدین (م حدوداً ۶۰۰)، رجال ابن داوود (م ۷۰۷)، مجمع‌الرجال قهپانی (م ۹۹۳ ق)، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال

1. Anderson

به ابن غضائری، زنده پس از ۴۱۱ ق)، رجال الکشی، الرجال شیخ طوسی، کتاب الفهرست طوسی و کتاب الرجال نجاشی) سه خصوصیت مهم دارند که آن‌ها را از دیگر منابع رجالی متمایز می‌سازد: قدمت آثار، اعتبار مؤلفان و جامعیت منابع استناد شده است.

یکی از اصول اولیه رجال شیعه رجال کشی یا معرفه الرجال از محمد بن عمر کشی (م ۳۳۰ ق؟) است. آشنایی با ساختار این اثر، سازماندهی دانش علم رجال را به خوبی نشان می‌دهد. البته، اصل کتاب به دست ما نرسیده و تنها تلخیص و گزیده‌های آن، یعنی اختیار معرفه الرجال شیخ طوسی در دست است.

ساختار کلی کتاب موجود و اصل آن روایی است؛ یعنی داوری‌های رجالی منقول در قالب حدیث، مشتمل بر متن (اصل روایت) و سند (سلسله روایان) آن بیان شده است و کتاب در مجموع ۱۱۵۱ روایت در باب حدود ۵۲۰ راوی را طبق تاریخ زندگی آنان دربردارد. این کتاب به هفت جز تقسیم شده است. داوری‌ها در این کتاب همراه بایان روایاتی در باب راوی و شرح حال وی، بدون اظهار نظر شخصی است. در این کتاب، سه دسته از روایان با خصوصیات زیر بررسی شده‌اند: روایان شیعه (که شرح حال این عده بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است)، روایان سنی و روایان زن. وی بعد از ذکر راوی، روایت یا روایات در خصوص وی را نقل کرده است. اخبار و روایاتی که کشی در شرح حال اشخاص نقل کرده است، چندگونه است. برخی از روایات ائمه (ع) در مورد راوی است و متن حدیث مستقیماً ارزش رجالی دارد؛ یعنی مبتنی بر وثاقت و عدم وثاقت راوی است.^۳ دسته‌ای دیگر از روایات از امام معصوم (ع) وارد شده است که در ارتباط با راوی، اما در موضوعی غیر

(معروف به رجال کبیر) از میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی (م ۱۰۲۸ ق) طبق حروف اول و دوم اسامی و نقد الرجال از مصطفی بن حسین حسینی تفرشی (م ۱۰۵۰ ق؟)؛
۲. تألیف براساس طبقات رجال یا ادوار تاریخی که در آن، اشخاصی که در سن نزدیک به یکدیگر و در استادان مشترک باشند، کنار هم می‌آیند؛ مثلاً، روایان از پیامبر (ص) در یک باب و روایان از هر امام (ع) در بابی دیگر (و در هر باب، معمولاً طبق ترتیب الفبایی نام)؛ مانند کتاب‌های الرجال شیخ محمد بن عمر کشی (م ۳۳۰ ق؟) و محمد بن حسن بن علی طوسی (معروف به شیخ طوسی، م ۴۶۰ ق)؛

۳. تألیف براساس جرح و تعدیل که مجموع کتاب رجالی در این شیوه به دو بخش کلی تقسیم می‌شود: کسانی که روایت آنان قابل اعتماد است (موتقین) و کسانی که روایت آنان قابل اعتماد نیست (متوقفین). نام‌های موجود هر بخش در این شیوه طبق حروف الفبا تنظیم می‌شود؛ مانند خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال (رجال حلّی) از حسن بن یوسف بن مطهر (معروف به علامه حلّی، م ۷۲۶) و کتاب الرجال حسن بن علی بن داود حلّی (م بعد از ۷۰۷ ق)^۴؛ و چند اثر دیگر.

۴. تألیف براساس فهرست‌نگاری که فقط نام مؤلفان مبنای نوشتن کتاب قرار می‌گیرد. مؤلف در این شیوه نگارش به دنبال فهرست کردن نام رجالی است که صاحب کتاب باشند. در نگارش فهرست (کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول) از شیخ طوسی (م ۴۶۰) و الرجال (فهرس أسماء مصنّفی الشیعه) از احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ ق) این شیوه دنبال و در مرتبه بعد و حین چینش اسامی روات، نظم الفبایی رعایت شده است.

اولین گروه از منابع رجالی موجود را «اصول اولیه رجالی» می‌نامند. این گروه از منابع (شامل شش عنوان طبقات الرجال، معروف به رجال برقی از احمد بن محمد خالد برقی (م ۲۷۴ ق)، الرجال نیز الضعفاء و الجرح) از حسین بن عبید... (معروف

۳. مثلاً، در مورد یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: «محمد بن مسعود، قال: حدثنی محمد بن نصیر، قال: حدثنا محمد بن عیسی قال: حدثنی عبدالعزیز بن المهتدی القمی، قال: محمد بن نصیر، قال محمد بن عیسی و حدث الحسن بن علی بن یقطین بذالك أيضاً، قال: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السلام: جعلت فداك إني لا أكاد أصل إليك أسألک عن کل ما احتاج إليه من معالم دینی، أفيونس بن عبدالرحمن ثقة أخذ عنه ما احتاج إليه من معالم دینی؟ فقال: نعم.» (عمر بن عبدالعزیز الکشی، رجال الکشی، تعلیقه سید احمد حسینی (بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات، ۱۴۳۰ ق)، ص ۳۴۹). در این مورد، علی بن یقطین روایت می‌کند به امام رضا (ع) گفتیم: جانم فدایت، گاهی به شما دسترسی ندارم تا از مسائل دین که به آن نیاز دارم سؤال کنم. آیا یونس بن عبدالرحمن ثقة است تا مسائل دینم را که به آن نیاز دارم از او بگیرم؟ امام فرمودند: بله.

۱. کشی بنا بر ترتیب طبقات، کتابش را از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) شروع و به اصحاب امام حسن عسکری (ع) ختم کرده است. شاگردان و یاران مشترک بین دو یا چند امام به طور کامل در هر باب مربوط به آن امامان آمده است.

۲. با دانستن این که نظم الفبایی اسامی در بیشتر این آثار فقط در حرف اول (مثل الرجال نجاشی) یا دو حرف اول (مثل رجال کبیر استرآبادی) رعایت شده است، این داود خلافتی در اثر خود از این نظر داشته است. وی در این کتاب تمام اسامی را به ترتیب حروف الفبا آورد و این ترتیب را تا «آخرین حروف» هراسمی رعایت کرد که پیش تر متداول نبود. او توثیق یا تضعیف خود به راوی را مستند به یکی از کتاب‌های رجالی معتبر کرد و آدرس آن را نیز در قالب رمز آورد.

هـ ترتیب‌کشی از شیخ داود بن حسن بحرانی (عالم قرن ۱۲ هجری) که اسامی در آن به صورت کامل برحسب حروف تهجی مرتب شده است.

سازماندهی دانش علم رجال از نظر حساسیت و اهمیت این علم، از دقیق‌ترین ابزار و رویه‌ها برخوردار است. اگر مواردی مانند هم‌نسل بودن، اشتراک در استادان، ضعف و قوت راویان در نقل روایات، تاریخ زندگی و تاریخ وفیات و هم‌عصر بودن روات با معصومین (ع) و حتی تلفیقی از این‌ها را عواملی کلان برای سازماندهی دانش رجال بدانیم، ترتیب‌قبایی عاملی خرد برای کمک به بازیابی آسان اطلاعات بوده است که این روند بازیابی با گذر زمان و به مدد آثار دیگران آسان‌تر و کامل‌تر شده است.

علم درایه

علم درایه از جمله دانش‌هایی است که در راستای سامانمند کردن شناخت حدیث در قرون اولیه اسلامی شکل گرفت. این علم حاصل تعامل گسترده عالمان با حدیث و دقت و نکته‌سنجی آنان در ویژگی‌ها و تفاوت‌های روایات به لحاظ راوی، سند و متن بود که به تدریج با شکل‌گیری مجموعه‌های حدیثی و گسترش بهره‌گیری عالمان از حدیث در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه فقه و کلام و در پی ضرورت یافتن طبقه‌بندی احادیث به وجود آمد. علم درایه دانشی است که از سند حدیث، متن آن، چگونگی دریافت حدیث و آداب نقل آن، یعنی از احوال خود سند، از نظر کیفیت نقل و اتصال و انقطاع آن بحث می‌کند. در کل، هدف علم درایه آشنایی با اصطلاحات مرتبط با حدیث و شناخت حکم حدیث، از نظر ضعیف یا صحیح بودن، با در نظر گرفتن حالات و صورت‌های مختلفی است که برای آن پیش می‌آید.

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در این دانش مطرح می‌شود، بررسی اقسام حدیث در قالب صحیح، حسن، موثق، مرسل، غریب، مصحف و شاذ است. در نگاشته‌های مختلف، این اقسام به شیوه‌های مختلفی عرضه شده است: الف. در برخی کتاب‌ها، بدون رعایت نظم معینی، از این اقسام به صورت تکی یا کنار نظایرشان، یکی بعد از دیگری بحث شده است؛ ب. در برخی کتاب‌ها، به‌ویژه در کتب شیعه، پس از تقسیم خبر آحاد به چهار قسم (صحیح، حسن، موثق و ضعیف)، دیگر عموم اقسام حدیث در دودسته عرضه می‌شوند: احادیثی که به دلیل اشکال در سند یا متن، حکم به ضعف آن‌ها داده می‌شود (بانام «اقسام حدیث ضعیف») و احادیثی که با بررسی موردی آن‌ها و با توجه به وضع سند یا متن

از وثاقت و عدم وثاقت اوست و مستقیماً استفاده رجالی ندارد^۱. اغلب روایات رجال کشی از این دسته‌اند. در مواردی نیز روایات به نقل از راویان دیگر است و منقول از معصوم (ع) نیست^۲.

چون استفاده از رجال کشی موجود که همان اختیار معرفه الرجال شیخ طوسی است. به دلیل نبود نظم و ترتیب سهل‌الوصول در شرح‌حال راویان (مانند تنظیم طبق‌القبایی نام، تاریخ یا طبقه) مشکل است، عده‌ای دادن ترتیب و تنظیم به این کتاب را عهده‌دار شدند؛ همچنان که برخی به حاشیه‌نویسی و گلچین این کتاب پرداختند. در مجموع، تألیفاتی چند به بازنمون این کتاب و تسهیل بازیابی اطلاعات آن پرداخته‌اند؛ از جمله:

الف. حلّ الإشکال فی معرفه الرجال از سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ق) کتابی جامع مشتمل بر مصادر اولیه رجالی، عمدتاً رجال کشی، به ترتیب‌قبایی نام راویان است.

ب. التحریر الطاووسی از ابو منصور حسن بن زین‌الدین (مشهور به صاحب معالم، م ۱۰۱۱ ق) که منقولات از کتاب حل الإشکال ابن طاووس از اختیار معرفه الرجال الکشی در آن گزینش شده است. تمامی منقولات اختیار معرفه الرجال، با رفع نواقصی که در کتاب حل الإشکال بود، در این اثر نقل شده است. حواشی و توضیحات مؤلف درباره اسناد روایات و مطالب دیگر (از جمله جزئیات بیشتر از زندگی روات) در این کتاب وجود دارد.

ج. ترتیب‌کشی از عنایت ... قُهیائی (زنده در ۱۰۱۱ ق)، حاوی نظم‌القبایی (فقط حرف اول) اسامی مندرج در کتاب رجال کشی، همراه با حواشی و تعلیقاتی بر این کتاب است.

د. مجمع الرجال بازهم از عنایت ... قُهیائی که بعد از ذکر ترتیب‌کشی و ترتیب کتاب‌های اصلی رجالی در آن، همه منقولات این کتاب‌ها را کنار هم قرار داده شده است.

۱. مثلاً، در مورد عبدا... بن شریک العامری می‌آورد: «عبدا... بن محمد، قال: حدثني الحسن بن علي الوشاء، عن أحمد بن عائد، عن أبي خديجة الجمال، قال: سمعت اباعبدا... (ع) يقول: إني سألت الله في اسماعيل أن يبقيه بعدى فأبى و لكنه قد أعطاني فيه منزلة أخرى، إنه يكون أول منشور في عشرة من أصحابه و منهم عبدا... بن شريك و هو صاحب لوائه.» امام صادق (ع) فرمود: من از خداوند خواستم اسماعیل را پس از من باقی گذارد. خداوند درخواست مرا اجابت نکرد؛ ولی محققاً به خاطر صبر من مقام دیگری به من داد. در میان ده نفر از اصحاب امام، اسماعیل نخست از همه محشور خواهد شد و عبدا... بن شریک - که پرچمدار حضرت است - میان این ده تن است (محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۱۶۰).

۲. برای مثال، در یکی از روایات کتاب، کشی در احوال نه‌تن از راویان، از استادش ابونصر محمد بن مسعود سؤال کرده است (محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۳۷۶).

در قرن هفتم، کتاب علوم الحدیث از عثمان بن عبدالرحمن ابو عمرو شهرزوری، مشهور به ابن صلاح (م ۶۴۳ ق) نقطه عطفی در تکامل مباحث درایه شد. این کتاب که به مقدمه ابن صلاح شهرت یافت، به لحاظ جامعیت، جامع مطالب کتاب‌های پیشین و درعین حال، از بهترین و مهم‌ترین کتاب‌های درایه است که عموم کتاب‌های پس‌از آن به‌نوعی بر محور آن تنظیم شده‌اند. ابن صلاح کتاب خود را در ۶۵ نوع متعدد سامان داد. او مباحث خود را با اقسام حدیث آغاز و بعد، با آداب نقل، طرق تحمّل و نهایتاً، مباحث مربوط به راویان، طبقات آنان و عناوینشان تمام کرد. این کتاب را برخی به نظم کشیده و دیگران بر این مجموعه‌ها شرح نگاشته‌اند و عده‌ای نیز نکته‌سنجی‌های خود را درباره آن آورده‌اند. التّقریب و التّیسیر فی معرفة سنن البشیر النذیر از محی‌الدین یحیی بن شرف نووی (م ۶۷۶ ق) از مهم‌ترین این مجموعه‌هاست که مؤلف مقدمه ابن صلاح را در آن تلخیص کرده است.

الباعث الحثیث شرح إختصار علوم الحدیث از ابوالفداء حافظ بن کثیر (م ۷۷۴ ق) از جمله کتاب‌هایی است که بر محور مقدمه ابن صلاح نگاشته شد و دراصل، تلخیص آن است. با این‌همه مؤلف گاه نکاتی را ضمن موضوع افزوده است که مفید و به‌دلیل مختصر بودن و نقل نشدن اقوال مختلف، بیشتر متن مقدماتی و آموزشی برای علم درایه است و محققان کمتر از آن استفاده می‌کنند. التّبصرة و التذکره از زین‌الدین حافظ عراقی (م ۸۰۶ ق) مشهور به الفیه عراقی از دیگر کتاب‌های بسیار مهمی است که مؤلف در آن، مقدمه ابن صلاح را با اضافاتی به نظم کشیده است.

در نوشته‌های شیعی، شهید ثانی (م ۹۶۵ ق) اولین کسی است که در موضوع درایه مستقلاً کتبی تألیف کرد. او نویسنده سه کتاب غنیة القاصدین فی معرفة اصطلاحات المحدثین (مفقود)، البدایة فی علم الدرایة و الرعاية لحال البدایة فی علم الدرایة (معروف به شرح بدایة الدرایة) است. مباحث درایه در کتاب اخیر در یک مقدمه، شامل اصول و اصطلاحات علم حدیث و چهار باب به ترتیب در اقسام حدیث، ویژگی‌های راوی، تحمّل حدیث و طرق نقل آن و اسماء رجال و طبقات آنان سامان یافته است. این کتاب از منابع اصلی درایه در شیعه است که تأثیری ماندگار بر تمام نگاشته‌های بعدی در این موضوع داشته است.

اثر مرجع‌گونه دیگر، الوجیزة فی علم الدرایة از شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق) است که مطالب آن در کمال اختصار است. این کتاب از دو منظر شایسته توجه است: به لحاظ ساختار که شیخ بهایی در این مجموعه شیوه‌ای ابتکاری در اقسام حدیث

ممکن است صحیح، حسن، موثق یا ضعیف تلقی شوند (بانام «اقسام مشترک حدیث» یا «ما یشرک فیہ الأقسام الأربعة و لا یختص بالضعیف»); و ج. در برخی آثار، اقسام حدیث را در قالبی خلاقانه‌تر و با توجه به مشابهت در لحاظ کردن ویژگی‌های خاصی در سند یا متن طبقه‌بندی می‌کنند؛ مثلاً آن را که معلق، مرسل، منقطع، معضل و مرفوع باشد، جملگی نوعی انقطاع در سند یا سقط در راوی دارند و ذیل یک تقسیم می‌آورند؛ مانند الوجیزة فی علم الدرایة از بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی (معروف به شیخ بهایی، م ۱۰۳۰ ق) از کتب حدیثی شیعی و دقیق و مفصل‌تر از این نظام تقسیم، منہج النقد فی علوم الحدیث از نویسنده معاصر، نورالدین عتیر، از کتب حدیثی اهل سنت.

هریک از شیوه‌های فوق محاسن و معایبی دارد. شیوه اول از نظر سازماندهی مباحث، ساده‌ترین شیوه و از هرگونه اختلاف در تقسیم نیز دور است و در صورت الفبایی بودن، شیوه مناسبی برای معجم حدیثی است. در شیوه دوم، با مبنا قرار گرفتن حکم حدیث، به اعتبار و جایگاه اقسام حدیث توجه شده است و خواننده از ابتدای مطالعه این اقسام، به ضعیف بودن یا نبودن احادیث توجه دارد. چون این شیوه تقسیم‌بندی بسیار کلی و فقط ذیل دو عنوان اصلی است، به لحاظ فراگیری و آموزش دشوار است. در شیوه سوم، گاه حکم و اعتبار مغفول می‌ماند؛ اما این شیوه از نظر آموزشی اهمیت ویژه دارد و با فراهم شدن امکان مقایسه بین اقسام حدیث و توجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، فهم بهتر آن‌ها میسر و یادگیری‌شان آسان می‌شود.

در بین اهل سنت، اولین کتاب مستقل در موضوع درایه را المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی از قاضی ابن خلدّ راهرزمزی (م ۳۶۰ ق) دانسته‌اند در قرن پنجم، دو اثر مهم در این موضوع تدوین شد. یکی از محمد بن عبدا... حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) که با نگاشتن معرفه علوم الحدیث، ۵۲ نوع مبحث مختلف این علم را عرضه کرد. بخش عمده‌ای از مباحث کتاب درباره طبقات راویان، اسامی، انساب و ... آنان است و بخش دیگر به اقسام مختلف حدیث اختصاص دارد. کتاب دیگر از احمد بن علی خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق)، الکفایة فی علم الدرایة است که مباحث جدیدی را در این حوزه دربردارد. وی مطالب کتاب را ذیل ابواب مختلف گزارش کرده است. البته این ابواب بدون طبقه‌بندی یا شماره‌گذاری هستند و بیشتر مباحث مربوط به طبقات راویان و عناوین و انساب آنان مطرح شده و مباحث مربوط به اقسام حدیث در آن بسیار کم است.

ابتدا شرحی بر مقدمه کلینی است که در سرآغاز الکافی آمده است و سپس، نویسنده مطالبی عمدتاً در درایه و بسیار محدود در رجال را ضمن سی‌ونه راشحه عرضه می‌کند. با توجه به آنچه بررسی شد، آثار علم درایه یا مصطلح الحدیث هرچند اشتراکات و التقاطاتی با مباحث علم رجال دارد، از سازماندهی دانشی ویژه‌ای برخوردار است که بیشتر مناسب آموزش اصول علم حدیث، معناشناسی حدیث و هدایت فراگیران به فقهت در علوم حدیثی است. از این رو، با بررسی ساختار این آثار، به‌ویژه در بخش مربوط به درایه در آثاری که به علم رجال هم پرداخته‌اند، ساختاری مشابه با آنچه در نمودار ۱ دیده می‌شود، قابل بازنمون است.

با توجه به ویژگی‌های مشترک و متمایز آن‌ها عرضه کرده است و نیز از منظر مباحث این رساله که به‌رغم اختصار، به دلیل صاحب‌نظر بودن مؤلف آن، متضمن مباحثی نو و مطالبی بدیع است. این کتاب حاوی یک مقدمه در موضوع علم درایه، شش فصل-به ترتیب در متن حدیث و سند آن، حُجیت اخبار، اقسام خیر به اعتبار مروی و راوی، جرح و تعدیل، طرق تحمّل حدیث و ادای آن و آداب نوشتن حدیث- و یک خاتمه است. بر این کتاب نیز شرح‌های متعددی نگاشته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها نهایتاً الدرایه از سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ ق) است. الرواشح السّماویه از محمد باقر حسینی استرآبادی، مشهور به میرداماد (م ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ق)، از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در این باره نگاشته شده است. این کتاب



نمودار ۱. ساختار کلان و سازماندهی کلی مباحث در آثار علم درایه

شدن اسامی برای بازیابی بهتر و سریع اطلاعات کاربرد دارد. آثار درایه در سازماندهی دانشی خود بر آموزش فراگیران و حرکت از کل به جزء تکیه دارند

بحث و نتیجه‌گیری

آثار رجالی چنان سازماندهی شده‌اند که عوامل کلان مرتبط با راوی و وثاقت وی در اولویت قرار دارند و مواردی چون الفبایی

تحقیق حاضر یک بررسی مقدماتی و اکتشافی برای چرخش اذهان پژوهشگران به این عرصه است. پیشنهاد می‌شود آثار رجال و درایه تک‌تک از نظر سررشته‌های سازماندهی دانشی به‌دقت و به‌صورت عمق بررسی شوند تا نوآوری‌های علمای مسلمان در سازماندهی آن‌ها هویدا شود.

منابع

- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن (۱۴۱۸ ق). *علوم الحدیث، تحقیق و شرح نورالدین عتیر*. دمشق: دار الفکر.
- اندرسون، جیمز دی (۱۳۸۱). *سازماندهی دانش، ترجمه حمیدرضا جمالی مهموبی*، در: *دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ج ۲، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۹). *آشنایی با کتب رجالی شیعه*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شفیع تبار، نوروز؛ مختاری، حیدر (۱۳۹۸). *نقش عالمان شیعه در سازماندهی دانش علم حدیث. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۳۶.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲ ق). *شرح البدایه فی علم الدرايه*. تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، تهران: مکتبه چهل‌ستون العامه المسجد الجامع.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۲۴ ق). *الرعایه لِحال البدایه فی علم الدرايه*، تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها، در: *رسائل فی درایه الحدیث*، گردآوری ابوالفضل حافظیان بایلی، جزء اول، قم: دار الحدیث.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۴ ق). *الوجیزه فی علم الدرايه*. تحقیق حسن حسینی آل مجدّد شیرازی، در: *رسائل فی درایه الحدیث*، گردآوری ابوالفضل حافظیان بایلی، جزء اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۴ ق.
- کُشّی، محمد بن عمر (۱۴۳۰ ق). *رجال الکُشّی، تعلیقه احمد حسینی*. بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
- کمالی، علیرضا (۱۳۸۷). *اصطلاحات حدیثی (۲)*. معارف، (۵۷)، تیر.
- کمالی، علیرضا (۱۳۸۷). *اصطلاحات حدیثی (۳)*. معارف، (۶۴)، اسفند.
- مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۸۸). *تاریخ حدیث*. تهران: سمت.
- نصیری، علی (۱۳۹۷). *آشنایی با علوم حدیث*. چاپ دهم، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
- نفیسی، شادی (۱۳۹۱). *درایه الحدیث، باز پژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین*. چاپ هشتم، تهران: سمت.